

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي جعل القرآن
موسيقى للقلوب
والله أعلم
بما كنا نعمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي جعل القرآن
موسيقى للقلوب
والله أعلم
بما كنا نعمل

هدیه‌ای از فرشته مادر



نویسنده و تصویرگر:

زهرا سینایی

(راحیل)

با یادداشتی از:

دکتر حسین محی‌الدین الهی قمش‌ای



به کودکی که
معنای حقیقی امّ ابیها را
صبورانه
به من آموخت!

سرشناسه سینایی، زهرا، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور: هدیه‌ای از فرشته مادر / نویسنده و تصویرگر: زهرا سینایی (راحیل)؛ با یادداشتی از حسین مجرایان آهلی قمشاهی.
مشخصات نشر: تهران، صابرین، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۲۸ص؛ مضمون.
شابک: 978-964-2785-25-4
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابخانه: ص ۲۸.
موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع: داستان‌های مذهبی - قرن ۱۴
شماره افزوده: مجرایان آهلی قمشاهی، مهدی. - ۱۳۵۲ - ۱۳۸۰.
رده بندی کنگرد: ۱۳۸۸ / ۹۴۴ / ۸۱-۸۱ PIR
رده بندی دیویی: ۸۵۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۵۱۳۸۱

انتشارات صابرین ۸۸۹۶۸۸۹۰

هدیه‌ای از فرشته مادر

نویسنده و تصویرگر: زهرا سینایی (راحیل) mehrahil@yahoo.com
گرافیک و طرح جلد: زهره سینایی zohresinaei@yahoo.com

چاپ اول: ۱۳۸۸

تعداد: ۳۰۰۰

لیتوگرافی: پویه گراور

چاپ جلد و متن: اکسیر

صحافی: پیام

شابک: ۴-۲۵-۲۷۸۵-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-2785-25-4

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

هو القديم

قصه‌ای بیدار سازد قصه‌ای خواب آورد
در خرد هر داستانی را حسایی دیگر است
غیر خورشیدی که تابد بر سر سگان خاک
خانه‌ی عشاق روشن ز آفتاب دیگر است

مهدی محی‌الدین الهی قمشهای

این داستان عمیق و جذاب هرچند ظاهراً برای شخص خاصی طراحی شده، اما به حقیقت قصه‌ی عمومی همه انسان‌هاست که در پی مهرگیاه عشق یک به یک به جهان خاک فرستاده می‌شوند و پیش از آمدن، پروردگار با همه عهد و پیمان می‌بندد که در زمین جویای راه خدا باشند که همان طلب زیبایی و دانایی و نیکویی است و به دنبال شیاطین نروند که همان زشتی و شرّ و جهالت است.

استادان کرام
قصه‌ی مسافر
در عزم آسایشی

و به قول شیخ محمود شبستری*:

به یاد آور مقام و حال فطرت
آلست پیربکم ایزد که را گفت
اگر آن نامه را یک ره بخوانی
تو بستی عقد و عهد بندگی دوش
کلام حق بدان گشته است منزل
اگر تو دیده‌ای حق را به آغاز
صفتش را ببین امروز این‌جا
وگر نه رنج خود ضایع مگردان

کز آنجا باز دانی اصل فکرت
که بود آخر که آن ساعت بلی گفت
هر آن چیزی که می‌خواهی بدانی
ولی کردی به نادانی فراموش
که یادت آورد از عهد اول
در این‌جا هم توانی دیدنش باز
که تا ذاتش توانی دید فردا
برو بنیوش لآتهدی زقرآن

و آن فرشته‌ی مادر به حقیقت همراه ماست و نگهبان ماست تا به راه خطا نرویم. اما برای من این داستان کوتاه یک تجدید خاطره‌ی ازلی بود که مرا به یادآوری از عهدی که با پروردگار خویش بسته بودم و از آن فرشته‌ی مادر که هنوز با نگاه مهربان از طفل دل‌بند خویش مراقبت می‌کند، فرا خواند.

این داستان، داستان تولد همه‌ی انسان‌های عاشق است و می‌تواند هزاران دل را شاد کند و از هراس مرگ برهاند.

* شاعر و عارف تیمه‌ی اول قرن هشتم هجری و صاحب تألیفات بسیار از جمله مثنوی گلشن راز، رساله‌ی حقایقین و مرآت‌المحققین

قطب بن محی* نیز در نامه‌ای که لطفی از همین جنس دارد اشاره نموده که پدر و مادر، کودکان را چندی برای شیرخواری نزد دایگان در این جهان می‌فرستند و چون هنگام بازگرفتن از شیر فرا می‌رسد و می‌خواهند آنها را نزد پدر و مادر باز گردانند، شیرخوارگانی که می‌مانند، برای آنان که می‌روند چنان دل‌تنگ می‌شوند که گویی آنها را به نقطه‌ای دور تبعید نموده، به دیار غربت می‌فرستند در حالی که ایشان نزد پدر و مادر حقیقی خود باز می‌گردند و زهی شادی که در بازگشت به خانه است!

انگلیسی‌ها می‌گویند بهترین بخش هر مسافرتی رسیدن به خانه است و به قول خانم امیلی دیکنسن** کدامین کس می‌تواند شادی آن ناخدا را که پس از مدت‌ها اقامت در خشکی به دریا باز می‌گردد، توصیف کند؟!

آن شادی از وصف بیرون است و این داستان به نوعی این شادی را توصیف کرده، این عالم را به عالم دیگر پیوند داده، حجاب بین دنیا و آخرت را کم‌رنگ نموده است به طوری که آدمی بعد از خواندن داستان احساس می‌کند که آن دنیا تنها با یک پرده‌ی توری از این عالم فاصله دارد و مرگ همان پرده‌ی توری است.

* عارف قرن هشتم هجری و نویسنده‌ی کتاب مکتوبات
** Emily Dickenson ، شاعره آمریکایی (۱۸۳۰-۱۸۸۶)